

نقش مؤلفه «ایمنی و امنیت» فضاهای شهری در حضورپذیری کودکان مطالعه موردی: محله فاطمی در منطقه ۶ تهران

عطیه بهرام پور^۱، علی اصغر ملک افضلی^{۲*} (نویسنده مسئول)

^۱ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ایران
^۲ دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۳۰)

چکیده

شهرها، تنها محیطی برای گذران زندگی نیستند، بلکه باید بستری برای رشد و تعالی شهروندان خود باشند. در این میان کودکان به عنوان یکی از آسیب پذیرترین شهروندان، نیازمند توجه بیشتری هستند. در دین اسلام دستورات و توصیه‌های فراوانی در این حوزه وارد شده است و دولت‌ها و سازمان‌ها نیز همواره به دنبال راهکارهایی برای حفظ حقوق کودکان در جامعه بوده‌اند. پرسشی که در این پژوهش مطرح شده این است که: مهم‌ترین معیارهای فضای شهری مناسب کودکان، به عنوان حقوق این دسته از شهروندان، کدام‌اند؟ همچنین کدام یک از این معیارها بیشترین تأثیر را بر حضور فعال کودکان در فضاهای شهری دارند؟ بدین منظور ابتدا مروری بر ادبیات مرتبط با کودک و تلاش‌های صورت گرفته برای حمایت از کودکان داشته و سپس با نگاهی کوتاه به نیازها و حقوق کودکان در شهر به ضرورت ارتباط کودک با فضاهای شهری پرداخته‌ایم. در ادامه، با بررسی نظریه‌های موجود معیارهای فضای شهری مناسب کودکان تعیین شد و به دلیل اهمیت بسیار زیاد معیار ایمنی و امنیت کودکان در شهر، این معیار مورد تدقیق قرار گرفت. در این پژوهش محله فاطمی تهران به منظور تأیید مبانی نظری پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت تا ضمن استخراج معیارهای فضای شهری مناسب کودکان، میزان حضور کودکان و همچنین ارتباط آن با میزان امنیت و ایمنی تبیین شود. با استفاده از تحلیل عاملی انجام شده روی داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها، ۹ معیار فضای شهری مناسب کودکان استخراج شد. بررسی تأثیر معیارهای مذکور بر حضور کودکان از طریق همبستگی پیرسون تعیین و مشخص گردید از این میان، ایمنی و امنیت بیشترین تأثیر هم‌جهت را بر میزان حضور کودکان در فضاهای شهری این محله دارد (۱/۸۰/۰۱). این امر نشان‌دهنده اهمیت این حق کودکان در استفاده از فضاهای شهری از سوی ایشان است که تأمین آن نه تنها بر عهده دولت‌هاست که به عنوان یکی از وظایف برنامه‌ریزان و طراحان شهری نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک در شهر، فضای شهری مناسب کودک، ایمنی و امنیت کودک، معیارهای شهر کودک‌مدار.

مقدمه

با پیچیده‌تر شدن جوامع امروزی، توجه به کودکان و نیازهای آنان در شهرها، یکی از مسائل پیش روی جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و سایر اندیشه‌مندان حوزه‌های مرتبط به کودک است. در سال‌های اخیر، شهرسازان نیز توجه ویژه‌ای به این قشر به عنوان یکی از گروه‌های مؤثر استفاده‌کننده از شهر داشته‌اند. یکی از وظایف برنامه‌ریزان، طراحان و مدیران شهری، شناسایی نیازهای کودکان در شهرها و برآورده‌سازی این نیازها در فضاهای شهر است. ارتباط کودک با فضاهای باز و ارتباط آنها در این فضاها با همسالان خود یکی از ارکان رشد سالم کودک است که فضاهای عمومی شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین مکان‌های ارتباط با محیط پیرامونی، نقش مهمی در این فرایند ایفا می‌کنند. اگر کودک نتواند ارتباط درستی با محیط پیرامون خود داشته باشد، این تعامل به درستی صورت نمی‌گیرد و در نهایت این عدم ارتباط یا ارتباط ناقص کودک با محیط اطراف، تأثیری منفی در رشد و تعالی کودک خواهد گذاشت.

در این مقاله سعی می‌کنیم مهم‌ترین نیازهای اجتماعی کودک را در شهر از دیدگاه اسلام و سازمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی شناسایی کنیم تا با شناخت بهتر این نیازها و تلاش در جهت رفع این نیازها در شهر، به سهم کردن کودکانمان در فضاهای شهری و تعامل سالم آنها با این فضاها کمک کرده و با فراهم آوردن شرایط رشد و تکامل این گروه از شهروندان، ارکان لازم را برای رسیدن به توسعه پایدار شهری فراهم کنیم.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تبیینی (آزمون فرضیه) استفاده شده است. گردآوری اطلاعات مورد نیاز از طریق توزیع پرسشنامه و مصاحبه حضوری (با کودکان کمتر از ۱۵ سال که حداقل ۳ سال در محله مورد نظر سکونت داشتند) صورت گرفته است. از آنجا که در کنوانسیون حقوق کودک، بیشترین مسئولیت در رعایت حقوق کودک بر دوش والدین نهاده شده است؛ چنان که در ماده ۱۸، کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده‌اند، بیشترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناختن این اصل که پدر و مادر کودک، مسئولیت مشترکی در زمینه رشد و پیشرفت کودک دارند، به عمل آورند. والدین یا قیم قانونی، مسئولیت عمده را در رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند و اساسی‌ترین مسئله آنان، (حفظ) منافع عالیة کودک است.

در آموزه‌های اسلام نیز بیشترین مسئولیت در قبال کودک، بر دوش والدین است که به آن «حق الوالد علی الوالد» می‌گویند. بدین منظور در این پژوهش برای ارزیابی وضعیت محله برای حضور کودکان، والدین آنها مورد تحقیق قرار گرفتند. همچنین بدان سبب که حوزه امنیت و ایمنی مقوله‌ای عمدتاً ذهنی است و

به میزان درک والدین از مناسب بودن یا نبودن فضای شهری برای کودکان‌شان بستگی دارد، تصمیم بر آن شد که برای اندازه‌گیری شاخص‌های مدنظر، تنها به دریافت نظرات پرسش‌شوندگان بسنده شود و نظر کارشناسی محققان در بررسی حضورپذیری محیط‌های شهری تنها در تحلیل داده‌ها به کارگرفته شود.

برای استخراج معیارهای شهر مناسب کودک، پرسشنامه‌ای با ۸۸ گویه طراحی شد و در آن از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت با مقادیر بسیار کم/ بسیار ضعیف تا بسیار خوب استفاده شد. تعداد ۳۷۵ پرسشنامه به روش کوکران تعیین شد و پس از اعتباریابی آن، به روش نمونه‌گیری تصادفی برای پاسخ‌گویی به گروه هدف ارائه شد. به منظور استخراج معیارهای فضای شهری مناسب حضور کودک از گویه‌های پرسشنامه، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. همچنین به منظور تبیین اثرات این معیارها بر میزان حضورپذیری، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. با استفاده از نرم‌افزار SPSS، میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ها ۰٫۸۳۸، به دست آمد که این میزان نشان‌دهنده پایایی پرسشنامه و مناسب بودن همبستگی درونی داده‌هاست.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش «کودک» کیست؟

در اسلام، کودک (صغیر) به فردی اطلاق می‌شود که به بلوغ شرعی نرسیده باشد. بالغ کسی است که قوای جسمی و غریزه او نمو کامل یافته است و آماده تولد و تناسل باشد. در فقه، بلوغ از امور طبیعی و تکوینی است و برخی نشانه‌های طبیعی و فیزیولوژیک و شرعی و قانونی برای آن ذکر شده است^۱ (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۲: ۳۶). در قوانین کشورهای مختلف، تعاریف متفاوتی از کودک وجود دارد. اعلامیه جهانی حقوق کودک، در ماده ۱ خود تمام افراد زیر هجده سال تمام را به عنوان کودک می‌شناسد مگر آنکه قوانین داخلی کشورها ملاک دیگری برای تعریف کودک داشته باشند (unicef, Article 1). در ایران طبق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ مصوب سال ۱۳۶۰، کودک به فردی اطلاق می‌شود که بالغ نشده باشد. طبق همین قانون سن بلوغ برای پسران پانزده سال تمام و برای دختران نه سال تمام قمری است (قانون مدنی جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰). در این پژوهش با توجه به اهداف مورد نظر، گروه سنی سه تا پانزده سال مورد بررسی قرار گرفتند.

حقوق کودکان از دیدگاه اسلام

اسلام، بیش از مذاهب دیگر، برای کودکان، این گروه آسیب‌پذیر جامعه، حقوق قائل شده است. در آموزه‌های آسمانی اسلام، همه کودکان از دختر و پسر، حقوق و مزایای معینی دارند و همگان از اعمال هرگونه خشونت و بی‌رحمی در حق ایشان بازداشته شده‌اند. این در حالی است که پیش از اسلام، در میان اعراب و دیگر اقوام، کودکان در وضع نامناسبی قرار داشتند و از کمترین حقوق عادی

نیز بهره‌مند نبودند. نکته قابل توجه این است که این حمایت‌ها از حقوق کودکان، زمانی مطرح شد که هیچ نهاد، سازمان یا کنوانسیون بین‌المللی برای دفاع از حقوق کودکان وجود نداشته و اسلام با در نظر گرفتن همه نیازهای اولیه جسمی، روحی و روانی کودکان و دفاع از آنان، زمینه را برای رشد و پیشرفت کودکان در همه جوانب فراهم آورده است (ر.ک. بافکار، ۱۳۸۷).

حقوق گوناگونی که در دین اسلام برای کودکان در نظر گرفته شده است، طیف کاملی از تمام مواردی را شامل می‌شود که باید نه تنها برای زندگی، بلکه برای تکریم کودک در نظر گرفته شود. از این حقوق می‌توان به حق تعیین نام نیکو بر کودک، تغذیه و خوراکی پاکیزه و مناسب، حق تحصیل، حق تفریح و بازی، و پرهیز از اعمال خشونت جسمی و روحی بر کودک اشاره کرد.

همچنین طبق تعالیم اسلام، کودک علاوه بر اینکه حق حیات دارد، حق بهره‌مندی از امکانات زیستی سالم و کافی را نیز داراست و باید در آسایش و آرامش قرار گیرد. در تعالیم اسلام رعایت سلامت و بهداشت روحی و جسمی کودک و نیز حفظ شخصیت و کرامت وی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و در روایات متعددی بر لزوم کرامت ذاتی کودک و لزوم احترام به آن تأکید شده است. برای نمونه، پیامبر(ص) فرموده‌اند: «فرزندان خود را تکریم کنید و به آنها آداب نیک بیاموزید تا آموخته‌شده شوید» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۲۰). همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «باید هفت سال نخست زندگی کودک، آزادانه به بازی و جنبش بدنی صرف شود» (همان، ص ۲۲۳). بنابراین در اسلام کودک، موجودی شایسته تکریم است و این کرامت همان‌طور که بیان شد مستلزم حقوق متعدد و گوناگون برای اوست؛ حقوقی که یکی از مهم‌ترین وجوه آن تأمین و حفظ ایمنی و امنیت کودک در خانواده و محل زندگی است (ر.ک. نیکنمایی و دیگران، ۱۳۹۲)؛ همان‌گونه که حضرت رسول دو نعمت امنیت و سلامت را جزو نعمت‌هایی می‌دانند که قدرشان شناخته نشده است (ر.ک. فتال نیشابوری، ۱۳۷۵).

طبق تعالیم اسلام، توجه کافی به کودک و کمک به او برای ابراز عواطف واقعی، اصیل و پایدار باعث می‌شود که کودک دنیا را امن و قابل اطمینان بباید. از این رو، باید فرصت‌هایی فراهم آورده شود که کودک به روش خود و با توجه به رشد و توانایی‌های خویش، مهارتی را فراگیرد و با مشکلات خود به طور نسبی دست و پنجه نرم کند. امروزه فضاهای عمومی شهرها مکانی برای دریافت این مهارت‌هاست و کودک و والدین او باید این امکان را داشته باشند تا آزادانه و بدون نگرانی در این فضاهای شهری حضور یابند و از آن استفاده کنند.

تلاش‌های بین‌المللی در زمینه حقوق کودکان

از آنجا که کودکان یکی از آسیب‌پذیرترین و در عین حال تأثیرپذیرترین اقشار جامعه محسوب می‌شوند، همیشه مورد توجه

سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی بوده‌اند. در اینجا به طور خلاصه به تعدادی از تلاش‌های این سازمان‌ها برای احقاق حقوق کودکان اشاره می‌شود.

پیمان‌نامه حقوق کودک^۲

پیمان‌نامه حقوق کودک یکی از اولین و مهم‌ترین تلاش‌ها برای حفاظت از حقوق کودکان است. پیمان‌نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. دولت‌هایی که این معاهده را امضا کرده‌اند موظف به اجرای آن هستند و هر نوع شکایتی راجع به آن به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم می‌شود. این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفته و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شده است. تاکنون ۱۹۳ کشور (تمام اعضای ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا و سومالی) این سند را امضا کرده‌اند و در ۱۴۰ کشور اجرا می‌شود و به این ترتیب مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ است. پیمان‌نامه حقوق کودک شامل ۵۴ ماده و دو پروتکل اختیاری است که چهار اصل پایه‌ای آن را جهت می‌دهد:

- هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد؛
- زمانی که برای کودکان تصمیم‌گیری می‌شود، باید منافع عالی آنان در رأس قرار گیرد؛
- کودکان حق حیات دارند و باید رشد کنند؛
- کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آنها مربوط می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد (unicef, Article 12).

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۳ پیمان‌نامه حقوق کودک را پذیرفت و در مجلس شورای اسلامی به تصویب رساند.

صندوق کودکان ملل متحد^۳

صندوق کودکان ملل متحد که بیشتر به نام اختصاری آن یونیسف^۴ خوانده می‌شود، به منظور فراهم کردن غذای اضطراری و خدمات بهداشتی برای کودکان در کشورهایی که در اثر جنگ جهانی دوم تخریب شده بودند، در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ به توصیه شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد و تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد ایجاد شد. در اکتبر ۱۹۵۳ مجمع عمومی ملل متحد، این سازمان را به عنوان یکی از ارکان دائمی سازمان ملل شناخت و نام آن را از صندوق بین‌المللی اضطراری کودکان سازمان ملل به نام فعلی تغییر داد. فعالیت‌های یونیسف عمدتاً در راستای ارائه کمک‌های لازم و حمایت از کودکان کشورهای در حال توسعه است. یونیسف از اوایل دهه پنجاه فعالیت خود را برای کودکان در ایران آغاز کرده است (Beigbeder, 2001: 12).

شهر دوستدار کودک^۵

به طور کلی مفهوم شهر دوستدار کودک بدین معناست که دولت‌مردان، این شهرها را بر اساس علائق کودکان اداره کنند و

حقوق اساسی همه کودکان مانند حمایت، سلامت، امنیت، حمل و نقل، آموزش و فرهنگ در آنها رعایت شود. شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای کودکان نیست، بلکه شهری است که به وسیله آنها ساخته می‌شود (Riggio, 2002: 45-85).

در شهرهای دوستدار کودک نحوه مدیریت و حکمرانی، مستلزم ارائه فرصت‌های مناسب به کودکان برای تصمیم‌گیری است. اساساً شهرهای دوستدار کودک به دنبال ضمانتی برای تمام حقوق کودکان در شهر هستند. این حقوق بر اساس اساسنامه این شهرها شامل موارد زیر است:

- تأثیر تصمیماتشان در مورد شهر محل سکونتشان؛
- دسترسی به خدمات اساسی مانند سلامت، سربانه، نوشیدن آب سالم، آموزش و بهداشت؛
- محافظت و امنیت در برابر خشونت و جنایت؛
- امنیت و ایمنی در برابر عبور و مرور در خیابان؛
- زندگی در محیط مناسب و آرام؛
- ملاقات و بازی با دوستان و همسالان؛
- به رسمیت شناختن کودکان به عنوان شهروندی یکسان با بزرگسالان؛
- داشتن دسترسی به همه خدمات بدون توجه به نژاد، مذهب و ناتوانایی‌ها (NSW, 2009).

تمامی این تلاش‌ها به منظور ایجاد شرایط زندگی بهتر برای کودکان صورت گرفته است.

ضرورت ارتباط کودک و فضای شهری

جنبه‌های مختلف زندگی کودک سازنده پایه‌های زندگی آینده او، جامعه و شهر است. بی‌گمان توسعه و پایداری همه جوامع در گرو مشارکت و فعالیت همه اقشار و گروه‌های آن جامعه است. کودکان نیز به عنوان یکی از اقشار جامعه که تقریباً نیازهای مشترکی دارند، نه تنها از این قاعده مستثنا نیستند بلکه ضرورت توجه به نیازهای اساسی آنها بیشتر از سایر اقشار جامعه احساس می‌شود.

ضرورت‌های اساسی کودک را می‌توان در سه مورد خلاصه کرد:

- ضرورت درک محیط و گسترش شناخت؛
- ضرورت سلامت، امنیت جسمی و گسترش مهارت‌های بدنی؛

- ضرورت ارضای عواطف پیوند با محیط و گسترش انگیزه‌ها (رک. مظفر و دیگران، ۱۳۸۶).

این ضرورت‌ها تأکیدی بر نقش محیط زندگی و امکانات در دسترس در این محیط، برای تحرک آزاد و مستقل، گسترش مهارت‌های بدنی و ایجاد پیوندهای عاطفی و روحی کودک با آن است. روان‌شناسان حوزه کودک نیز عرصه‌های زندگی کودک را به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

عرصه خصوصی؛ مانند خانه؛
عرصه نیمه عمومی؛ مانند مهدهای کودک و مدرسه؛

عرصه عمومی؛ مانند بوستان‌های شهری، فضاهای عمومی شهر و ... (رک. حاتمی ابرقویی و دیگران، ۱۳۹۱).

تحقیقات نشان داده است که عرصه‌های عمومی می‌تواند زمینه‌های متعددی را برای ایجاد فرصت‌هایی برای کاوش، جست‌وجو و برقراری ارتباط متقابل با طبیعت ایجاد نماید (fjortoft and sageie, 2000: 88) و به قدرت ارتباط متقابل کودک با همسالانش و در نتیجه افزایش حس اجتماع‌پذیری او کمک کند (meyer, 2005). رشد شخصیتی و اجتماعی کودک بیش از آن که به محیط‌های سرپشته‌ای مانند خانه، مدرسه و یا مهدهای کودک مربوط باشد به تعامل و حضور فعال کودک در فضاهای باز مطلوب و همراهی با همسالان خود وابسته است. حضور در این فضاها، حس شهودی کودکان را فعال می‌کند و در تعامل با همسالان مهارت‌های جسمی، کلامی و اجتماعی آنها را پرورش می‌دهد.

کودکان به‌ویژه در دوره دبستان با رفت و آمد از خانه به مدرسه، حضور در محیط محله خود را تجربه می‌کنند. آنها تمایل دارند با همسالان خود در محله بازی کنند و با محیط کالبدی محله درگیر شوند. در صورت پاسخ مثبت به این نیازها، کودک ارتباط مثبتی با محله شکل می‌دهد و پایه‌های هویت محله‌ای و شهری در او شکل می‌گیرد (دانشپور و دیگران، ۱۳۹۶: ۸).

مازلو معتقد است که شکل‌گیری شخصیت‌هایی که درباره محیط زندگی خود حساسیت و کنجکاوی زیادی نداشته و رغبت و انگیزه‌ای برای زیستن ندارند، حاصل ناکامی و شکست در ارضای کنجکاوی‌های مشتاقانه و خودانگیخته دوران کودکی‌شان است. گوردون آلپورت^۷ نیز تأیید می‌کند که شرایط محیطی مساعد و تجربه‌های دوران کودکی در پرورش شخصیت سالم از اهمیت خاصی برخوردارند (رک. سینگر و رونسن، ۱۳۶۵).

با توجه به آنچه گفته شد درمی‌یابیم که وجود فضاهای عمومی سالم و مناسب حضور کودک، یکی از ضرورت‌های انکارناپذیر برای رشد و تکامل همه جانبه کودکان است و در نهایت بنیان‌های جامعه سالم را پایه‌گذاری می‌کند. همان‌گونه که در اساسنامه شهرهای دوستدار کودک اشاره شد، شهرها به عنوان بستر رشد و تکامل کودکان باید بتوانند شرایط و امکانات زندگی سالم کودکان را فراهم آورند. کودکان باید بتوانند مانند سایر شهروندان بزرگسال با توجه به توانایی‌هایشان، امکان استفاده از فضاهای شهری را داشته باشند.

مفهوم فضای شهری

به منظور شناخت کامل‌تر از محیط زندگی کودکان لازم است ابتدا با مفهوم فضای شهری آشنا شویم. فضای شهری در معنایی عام، شامل فضای زندگی شهروندانی است که آگاهانه یا غیر آگاهانه برای رسیدن به مقاصد مختلف طی می‌شود. ماتین^۸ خیابان‌ها، بلوارها، میدان‌ها و پارک‌های شهر را به انضمام

جدول شماره ۱: معیارهای مطرح شده برای شهر مناسب کودکان

مکتب / نظریه پرداز	معیارهای حاکم بر فضاهای شهری دوستدار کودک
اسلام	حفظ شخصیت کودک، حفظ کرامت کودک، رعایت سلامت، بهداشت روحی و جسمی، امنیت، (ر.ک. بهشتی، ۱۳۷۷)، (ر.ک. فتال نیشابوری، ۱۳۷۵).
جیکوبز	امنیت، آزادی، ارضای کنجکاو، تحرک و پویایی (ر.ک. جیکوبز، ۱۳۸۸).
چاولا	امنیت، انسجام، فضای سبز، محیط خشونت‌زا، ترافیک، انزوای اجتماعی، جرم، کسالت و مکان گردهمایی (chawla and others, 2005: 62).
دریسکل	امنیت، ایمنی، دسترسی، زیبایی، سازگاری، قابلیت بازی، آموزش دهنده‌گی، مشارکت، امکانات مالی (دریسکل، ۱۳۸۷: ۸۵).
سترث ویت و همکاران، یونیسف، ملون	امنیت، وقوع فعالیت، فضای آموزش، فضای بازی، بهداشت محیط، ارتباط با طبیعت، محیط خشونت‌زا (malone and tranter, 2003: 290).
شیعه	وقوع فعالیت، مقیاس متناسب، امنیت، سرزندگی، جذابیت، خیابان‌ها و میادین طراحی شده، فضای باز، مکان پناه گرفتن، سرگرمی خیابانی، جشنواره‌ها، بازار (شیعه، ۱۳۸۵).
لنارد	اعتماد، انصاف، عدالت، ارتباط، فرصت مشاهده مردم، محیط شهری شفاف و سالم و قابل درک، معابر دور از مخاطرات رفت و آمد سواره (lennard, 1997).
مامفورد	فضای باز، فضای سبز، فضای فرهنگی (mamfurd, 1976).

نماهای ساختمانی ای که آن فضا را تعریف نموده‌اند، جزء فضاهای شهری می‌داند (ر.ک. گلکار، ۱۳۸۴). لنگ^۹ نیز عرصه عمومی را متشکل از فضاهای بین ساختمان‌ها و نیز قسمت‌هایی از فضای داخلی ساختمان‌ها می‌داند. فضای شهری، تنها فضای خالی بین ساختمان‌ها نیست، بلکه مفهومی در برگیرنده محیط کالبدی، فعالیت‌ها، رویدادها و روابط بین آنهاست (ر.ک. مدنی پور و مرتضایی، ۱۳۸۴). توسلی نیز فضای شهری را ساختاری سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم به صورت کالبدی می‌داند. با این وجه خیابان‌ها، میادین و عناصر باز و ورزشی از جمله این فضاهای شهری محسوب می‌شوند (ر.ک. توسلی، ۱۳۷۱).

آنچه نیاز به توجه دارد این است که فضاهای شهری عموماً در سیطره بزرگسالان قرار دارند؛ از برنامه‌ریزی تا طراحی و ساخت این فضاها، استفاده بزرگسالان به عنوان هدف اصلی، مد نظر قرار گرفته است. مقیاس، عملکرد، نوع مصالح و ... همه به نوعی تأییدکننده این امر هستند. به ندرت می‌توان در شهرها، نشانه‌های بارزی از فضای کودک‌مدار را شاهد بود. هر چند نمی‌توان از برخی تلاش‌های صورت گرفته در این عرصه چشم‌پوشی کرد؛ اما آنچه تا کنون انجام شده پاسخگوی نیازهای کودکان در شهر نبوده است و باید در برنامه‌ریزی و طراحی این فضاها توجه بیشتری به ویژگی‌های کودکان معطوف داشت.

معیارهای فضاهای شهری مناسب کودک

آنچه در شهرهای کنونی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد این است که در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری باید به نیازها و توانایی‌های کودکان توجه کافی و لازم را مبذول داشت تا بتوان حضور فعال آنها را با فضا به گونه‌ای سازنده تضمین کرد. امروزه در شهرسازی، هر محله با حوزه عملکردی مربوط با کودکان شناسایی می‌شود. مرکز هر محله یک دبستان است و علاوه بر آن سایر فضاهای مرتبط با کودکان نیز مانند بوستان محله‌ای، فضاهای

بازی، خانه‌های کودک و ... در نظر گرفته می‌شود؛ اما سؤال‌هایی که در اینجا مطرح می‌شود این است که:

- ۱- مهم‌ترین معیارهای فضای شهری مناسب کودکان کدام‌اند؟
- ۲- کدام‌یک از این معیارها بیشترین تأثیر را بر حضور فعال کودکان در فضاهای شهری دارند؟

نظریه‌پردازان و محققان متعددی درباره معیارها و ویژگی‌های فضاهای شهری مناسب کودکان سخن گفته‌اند. این معیارها نه تنها به عنوان ابزاری برای شناسایی شهرهای مناسب کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرند که حق کودکان بر شهر هستند. با بررسی آثار و تحقیقات صورت گرفته می‌توان مهم‌ترین معیارهای تعیین شده برای فضای شهری مناسب کودک را در جدول ۱ دید. هر چند در این نظریه‌ها به طیف وسیعی از معیارها برای مناسب‌سازی شهر برای کودکان اشاره شده است؛ اما با مطالعه دقیق‌تر این مؤلفه‌ها مشخص می‌شود که ایمنی و امنیت از مؤلفه‌های غیر قابل انکار برای خلق فضای شهری مناسب حضور کودکان هستند. جین جیکوبز معتقد است که مهم‌ترین عوامل علاقه کودکان به فضای شهری در ایمنی خیابان‌ها، تنوع کاربری‌ها، شادابی و سرزندگی شهری خلاصه می‌شود و با رفع این نگرانی، نگرانی‌های اصلی تمام جمعیت تمام خواهد شد (ر.ک. جیکوبز، ۱۳۸۸). از سوی دیگر در مطالعه‌ای که کمیسون کودکان و نوجوانان ولز روی درک کودکان از سلامت انجام داده، سه موضوع اصلی اثرگذار بر سلامت کودکان را شناسایی کرده است و تأثیرگذاری محیط ساخته‌شده را بر این سه موضوع تأیید می‌کند؛ فعالیت، ایمنی و امنیت، و احساس مثبت نوجوانان از خود (NSW, 2009).

روانشناسان کودک تأکید می‌کنند که کودکان در فضاهای امن و ایمن فرصت و امکان بیشتری برای رشد و شکوفایی استعدادهای خود پیدا می‌کنند. همچنین آنها حساسیت زیادی

نسبت به عوامل تهدیدکننده محیطی دارند. کودکان در صورتی در محله خود فعالیت می کنند که احساس امنیت کرده و تمامی حواس شان در حالت تعادل و آسایش باشد. هر نوع تهدید محیطی مانند انواع آلودگی های صوتی و بصری، وجود خطرات فیزیکی، نداشتن قلمرو فیزیکی و روانی، وجود ازدحام غیر قابل کنترل و احساس عدم کنترل محیط توسط بزرگسالان مورد اعتماد، مانع تعامل مطلوب کودک با فضای شهری می شود. این عدم احساس امنیت می تواند باعث بروز رفتارهای پرخطرگانه در کودک شود. پریو و همکاران، با انجام مطالعه ای روی کودکان ۱۰ - ۱۲ ساله و والدین آنها (۶۷۷ خانواده در ویکتوریا)، درباره بزرگ ترین نگرانی آنها کاوش کردند. در مورد کودکان اولین نگرانی، استفاده از خیابان بود و پس از آن خطر افراد غریبه و ایمنی معابر در رده دوم و سوم قرار داشت (Iouy, 2005) که هر سه نگرانی در زمینه مؤلفه های امنیت و ایمنی کودکان در فضای شهری است.

در اغلب شهرهای اسلامی، محله ها با عناصر کالبدی از یکدیگر جدا می شدند. در بسیاری موارد این مرزها توسط مردم محله ها ایجاد و حفاظت می شدند و نهادهای حکومتی در آن دخالتی نداشتند. بافت اجتماعی درون محله ها بسیار منسجم بود. همچنین برای حفظ امنیت در برابر تهدیدهای بیرونی، ورودی های محله ها در بسیاری موارد دروازه داشتند (دانشپور و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰). امنیت کودکان در این شهرها اهمیت بسیاری داشت و علاوه بر تمهیدات کلی نظارتی که در این شهرها به کار رفته بود، نظارت مستقیم و غیرمستقیم افراد حاضر در مکان های عمومی بر کودکان یکی از مهم ترین و کارآمدترین سازوکارهای نظارتی برای حفظ امنیت این بخش از جمعیت بوده است.

ایمنی و امنیت

مفهوم امنیت مانند سایر مفاهیم رایج در علوم انسانی همچون عدالت، آزادی و صلح، تعاریف و تفاسیر گوناگونی دارد. این اختلافات عمدتاً از این واقعیت ناشی می شود که این مفهوم با

تنوعی از معانی و در شرایط و زمینه های گوناگون به کار می رود. از نظر تبارشناسی مفهوم امنیت دارای سابقه ای طولانی تر از مفهوم عدالت و جامعه است. نخستین مباحث فلسفی و سیاسی امنیت را می توان در آثار افلاطون و ارسطو مشاهده کرد.

در ادامه به طور خلاصه به تعدادی از این تعاریف و دیدگاه ها اشاره می شود:

قرآن کریم: قرآن ضمن برشمردن امنیت و وجوه عینی آن، نوع کامل و اصلی امنیت را امنیت مبتنی بر ایمان به خداوند می داند. این مفهوم هر سه معنای امروزی از امنیت عینی، ذهنی و آرامش و اطمینان قلبی را بازنمایی می کند (ر.ک. غرایاق زندگی، ۱۳۸۹).

امام علی (ع): امام علی (ع) از همان ابتدای به دست گرفتن حکومت، امنیت به مثابه نظم را در وجوه مادی و معنوی تبیین کرده است. ایشان برای تبیین امن، امان و امنیت به واژه هایی که این ویژگی را ندارند، اشاره می کند: تجاوز، ظلم، ارباب، ترساندن، فساد، سفک، دما (خون ریزی)، شرارت، اذیت، سر به هوا بودن و اوباشی، فتنه و اهانت (ر.ک. لباف، ۱۳۸۵).

امام خمینی (ره): مفهوم امنیت، نگاهی کلان نگر و عمیق لازم دارد و به تعبیر دیگر در جهت مقابله با هرج و مرج و ناامنی، هر نظامی مورد تأیید نیست و نباید تنها به شکل ظاهری بسنده کرد. در مقوله امنیت اجتماعی مفاهیمی چون استقرار عدالت اجتماعی، امنیت شغلی و مسکن، مبارزه با مفاسد و انحرافات اجتماعی، نظارت عمومی و اصل امر به معروف و نهی از منکر اهمیت دارد (سالار، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

ماندل: تعاریف موجود درباره مفهوم کلی امنیت بر احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارد (ر.ک. ماندل، ۱۳۷۹).

بوزان: امنیت به معنای حفاظت در برابر خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت های شخصی) است (ر.ک. بوزان، ۱۳۷۸).

جدول شماره ۲: ابعاد امنیت

ابعاد ایجابی، اطمینان و آرامش فکری و روحی را در برمی گیرد. در واقع هر آنچه در ایجاب و تکوین پدیداری حس امنیت در قالب احراز شرایطی از محیط که باعث آرامش و سکینه درون شود، می تواند در ابعاد ایجابی امنیت مورد بررسی و واکاوی قرار بگیرد.	ابعاد ایجابی	امنیت در ابعاد تکوینی
ابعاد سلبی، فقدان خوف و دلهره که موجب سلب آرامش و اطمینان می شود را در برمی گیرد. این بعد به جنبه هایی از مؤلفه های محیط تأکید دارد که سلب آنها از محیط، در پدیداری مفهوم امنیت تأثیر دارد.	ابعاد سلبی	
این بعد امنیت به جنبه های عینی امنیت اشاره دارد که نشان دهنده نبود تهدید موجود در ذات طبیعی محیط باشد. در واقع هر آنچه از لحاظ تصویر و تجسم عینی امنیت تأثیرگذار باشد می تواند در این مقوله مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.	ابعاد عینی	امنیت در ابعاد ادراکی
ابعاد ذهنی به حس امنیت اشاره دارد که در واقع نشانگر احساس امنیت داشتن افراد در ساختار جمعی محیط است و دارای بعدی روان شناختی است.	ابعاد ذهنی	
به شرایطی از محیط اشاره دارد که از جنبه فیزیکی به ایمنی فردی در برابر عناصر و مؤلفه های محیط کالبدی شهر اشاره دارد.	ایمنی ^{۱۳}	امنیت در ابعاد کالبدی
به جنبه های اجتماعی از مناسبت ارتباطی فرد در برابر اجتماع و گروه های اجتماعی در برابر فرد، اشاره دارد.	امنیت ^{۱۴}	امنیت در ابعاد اجتماعی

کلمنتس^{۱۲}؛ امنیت به معنای رهایی از خطرات یا مخاطرات و رهایی از لطمات، ایمنی روانی، رهایی از هراس یا تردید، مشوش نبودن و چیزی که ایمنی می‌دهد و اطمینان می‌بخشد به کار می‌رود (ر.ک. کلمنتس، ۱۳۸۴).

ابعاد امنیت

همان‌گونه که از آرای ارائه‌شده دریافت می‌شود، نمی‌توان معنای واحدی برای مفهوم امنیت تعیین کرد. در طول زمان با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی بشر، مفهوم امنیت نیز توسعه یافته و گسترده‌تر شده است، به طوری که می‌توان ابعاد جدول ۲ را در تعریف آن گنجانند.

مفهوم ایمنی

مؤلفه ایمنی، اشاره به موارد و عوامل محیطی دارد که در صورت عدم تأمین شرایط مطلوب آنها، وقوع حوادث اجتناب‌ناپذیر است و خطرات به صورت بالقوه و بالفعل جان و مال حاضران، عابران و ناظران را تهدید خواهد کرد (kelly and damian, 2009). با توجه به آنچه در جدول ۲ آمده، در این پژوهش منظور از ایمنی، بعد کالبدی امنیت است.

نظریه‌های مطرح شده در زمینه امنیت فضاهای شهری

با توسعه زندگی شهری و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی انسان‌ها، بحث امنیت فضاهای شهری بیش از پیش مورد توجه نظریه‌پردازان شهری و جامعه‌شناسان قرار گرفت. نظریه‌های بسیاری در این زمینه توسط گروه‌ها و نظریه‌پردازان مختلف ارائه شد که در اینجا به ذکر دو مورد از آنها بسنده می‌شود:

نظریه فضای قابل دفاع^{۱۵}

این نظریه نخستین بار در سال ۱۹۷۲ توسط اسکار نیومن^{۱۶} مطرح شد. در این نظریه، فضای قابل دفاع فضایی است که در آن میزان جرایم و جنایات از طریق افزایش دامنه دید و حس مالکیت به فضا، کاهش باید. اصول فضای قابل دفاع بر مشارکت و خودیاری مردم تکیه دارد. بر اساس این نظریه فقدان چهار عنصر در فضا می‌تواند مستعدکننده رخداد جرم در آن فضا باشد. این عناصر عبارت‌اند از:

- ایجاد حس قلمرو و مالکیت در فضای قابل دفاع؛
- نظارت طبیعی که به ساکنان اجازه می‌دهد افراد را شناسایی کرده و به وقایع قلمرو خود آگاه باشند؛
- خلق تصویری امن از محیط اطراف که ساکنان آن را می‌شناسند و از آن مراقبت می‌کنند؛
- همسایه‌ها باید بخشی از ناحیه امن و بزرگ‌تری باشند که از آن در برابر خطرات حفاظت و بالطبع محله خود را نیز حفاظت می‌کنند (coupland, 1997).

نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^{۱۷}

رویکرد دیگری در زمینه طراحی در دهه ۸۰-۱۹۷۰ با عنوان جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی مطرح شد. این ایده

بر اساس نظریه‌های نیومن و ری جفری انتشار یافت. این نظریه در دو نسل به تکامل رسید. نسل اول به بررسی آکادمیک راهبردهای سیستماتیک کاهش جرم از طریق کاهش فرصت‌های ارائه‌شده توسط محیط فیزیکی می‌پردازد. اصول این راهبردها شامل: نظارت طبیعی، کنترل دسترسی، تقویت قلمروگرایی و جای‌گذاری مناسب کاربری زمین است (baker, 2005). اصول بنیادی نسل دوم علاوه بر اصول کالبدی، به عوامل اجتماعی نیز توجه دارد و راهبردهای خود را با استفاده از نگاه جین جیکوبز به روابط با همسایه‌ها و جامعه محلی ارائه داده است. چهار راهبرد جدید عبارت‌اند از: همبستگی اجتماعی، اتصال، فرهنگ اجتماعی و ظرفیت آستانه (ر.ک. فورچی بیگی، ۱۳۸۶).

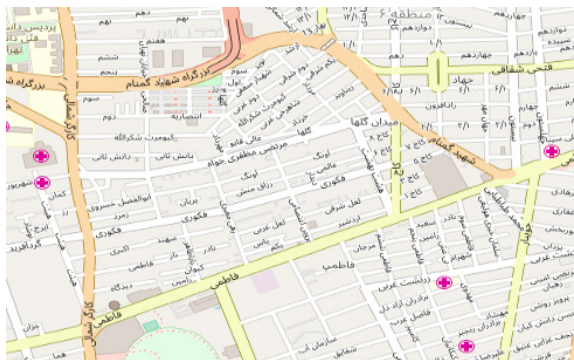
مفهوم فضای شهری امن و ایمن

آنچه که به تعریف امنیت فضای شهری کمک می‌کند، مقابله مفهوم فضای شهری امن و ایمن در برابر فضای شهری ناامن است. می‌توان گفت فقدان امنیت و عوامل از بین برنده ایمنی فضا، مفهوم فضای امن و ایمن را مشخص می‌کند. در فضاهای شهری، احساس امنیت شهری بدین معناست که شهروندان بتوانند آزادانه جابه‌جا شوند، با همسایران خود ارتباط برقرار کنند و به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند، بدون آن که تهدید شوند یا با خشونت و اذیت و آزار جسمی و روحی و یا نابرابری جنسی مواجه شوند (کامران و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶). نباید در شهرها محلی برای تحریک جرم و ناامنی وجود داشته باشد و بالعکس باید همواره با مداخلات فیزیکی و اجتماعی، محیط را منسجم کرد و روح وحدت را در فضاهای عمومی شهری حاکم گردانید؛ به طوری که یکی از نشانه‌های اصلی فضای امن شهری رونق و حیات جاری در آن است (کلاتسری خلیل آباد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۸). بنابراین می‌توان گفت فضای شهری امن فضایی است که امنیت و آسودگی خاطر همه افراد را در فضا شامل حاضران، ناظران و عابران فراهم آورد. کودکان نیز مانند سایر شهروندان باید از تمامی این حقوق برخوردار باشند و فضاهای شهری باید به منظور استفاده آنان، مناسب‌سازی شوند.

مؤلفه‌های فضای امن شهری

با توجه به تعاریف مطرح شده، امنیت، به طور کلی احساس آرامش و اطمینان از عدم تعرض به جان و سایر متعلقات تعبیر می‌شود و محیط شهری نیز فضایی است که در آن می‌توان این احساس آرامش و اطمینان را در کاربرانش جست‌وجو کرد. همچنین احساس امنیت نیز با توجه به تأثیرات ذهنی و روانی شکل گرفته از محیط، انسان را در موضع تصمیم‌گیری قرار می‌دهد تا محیط را امن یا ناامن تشخیص دهد و تعریف نماید (رفعیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۴). با توجه به نظریه‌های مختلفی که در مورد امنیت فضاهای شهری و کاهش شرایط جرم‌خیزی فضاهای شهری وجود دارد، می‌توان مؤلفه‌های فضای شهری امن

کارگر شمالی منتهی می‌شود. جمعیت محله فاطمی بر اساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ سازمان آمار ایران ۴۴۸۳۱ نفر است (جدول ۳). محله در پهنه مختلط (اداری، تجاری، خدماتی و مسکونی) قرار گرفته است و ترکیب جمعیتی آن ترکیب جوانی است (الگوی توسعه و طرح تفصیلی منطقه ۶، ۱۳۸۶).



تصویر شماره ۱: محدوده محله فاطمی

با توجه به جدول ۴ مشخص می‌شود محله فاطمی از لحاظ سرانه‌های مورد نیاز کودکان در وضعیت مناسبی قرار دارد. همچنین مجاورت محله با پارک لاله، مرکز حجاب و کانون پرورش فکری کودکان می‌تواند بسیاری از نیازهای کودکان محله را پوشش دهد. البته باید توجه داشت که در چند سال اخیر کاربری‌های اداری به درون بافت مسکونی محله نفوذ کرده‌اند و این روند رو به گسترش است؛ به طوری که واحدهای مسکونی درون بافت تمایل دارند به کاربری اداری یا خدماتی تغییر یابند.

جدول شماره ۳: توزیع جمعیت و خانوار در محله فاطمی

جمعیت کل	مرد	زن	تعداد خانوار
۴۴۸۳۱	۲۲۴۸۵	۲۲۳۴۶	۱۳۷۰۷
گروه سنی ۰ تا ۱۴ سال	گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال	گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر	
۵۷۳۶	۲۵۰۶۱	۱۳۵۹۴	

جدول شماره ۴: توزیع فضاهای فرهنگی - آموزشی در محله فاطمی

کاربری	سرانه مورد نیاز	فعالیت‌های در محله	وضع موجود
فرهنگی	۰٫۹۱	سرای محله	۱
		فرهنگ‌سرا	۰
		مراکز فرهنگی	۱
		سینما	۰
آموزشی	۱٫۸	کتابخانه	۱
		دبستان	۴
		مهد کودک	۲

استخراج معیارهای فضای شهری مناسب کودک

بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی، مقدار 17KMO برابر است با ۰/۷۵۰ و مقدار بار تلت آن ۸۲۲۶/۳۴ بوده و سطح

را بدین صورت معرفی کرد (رک. بمانیان و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۸؛ قورچی بیگی، ۱۳۸۶؛ کامران و همکاران، ۱۳۹۰؛ صالحی، ۱۳۸۷ و Kelly and Damin, 2009).

اندازه و تراکم در فضا: یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رفتار، تعداد افراد موجود برای تماس در محدوده فضایی مشخص، عنوان شده است. هرچند فضاهای بزرگ و خالی می‌تواند مسبب بروز و افزایش جرم باشد اما ازدحام زیاد در فضاهای کوچک نیز دلهره‌آور است و می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جرم برای مجرمان و ایجاد اختلال در ایمنی استفاده‌کنندگان باشد.

آسایش بصری و محیطی: نتایج بررسی‌های گوناگون نشان‌دهنده این است که میان فراوانی وقوع جرایم و مکان‌های آلوده (انواع آلودگی بصری، محیطی، صوتی و...) همبستگی آماري وجود دارد.

سازمان فضایی و نفوذپذیری: وضعیت نفوذپذیری قلمروها، وضعیت دسترسی، و فضاهای حمل و نقل عمومی سه معیار این مؤلفه هستند که هرکدام بر میزان امنیت و ایمنی قلمروها نقش مؤثری ایفا می‌کنند. تعریف مرزهای روشن، مالکیت فضا را تعریف می‌کند و موجب کاهش نفوذپذیری و افزایش نظارت اجتماعی می‌شود. ویژگی دسترسی و شبکه‌های ارتباطی نیز نقش مهمی در تأمین امنیت و ایمنی محله‌ها ایفا می‌کنند.

کیفیت مسکن و کاربری زمین: مسکن ناسالم، نحوه تصرف مسکن، تراکم جمعیتی و ساختمانی، میزان بهره‌مندی از خدمات عمومی واحدهای مسکونی و الگوی کاربری زمین و کمیت و کیفیت فعالیت‌ها، هر کدام نقش مؤثری در میزان امنیت محله‌ها ایفا می‌کنند.

با توجه به موضوع‌های مطرح شده و در نظر گرفتن اهمیت مؤلفه‌های ایمنی و امنیت برای حضور فعال کودکان در فضاهای شهری، به بررسی محدوده مورد مطالعه می‌پردازیم و محله فاطمی را از لحاظ وضعیت ایمنی و امنیت کودکان مورد سنجش قرار می‌دهیم. بدین ترتیب براساس مبانی نظری، فرضیه رابطه‌ای تحقیق این است که «به رسمیت شناختن حق ایمنی و امنیت کودکان که آموزه‌ای ایرانی-اسلامی و همچنین معیاری بین‌المللی برای حفظ حقوق کودکان است، رابطه معناداری (همبستگی) با حضورپذیری فضاهای شهری برای آنان دارد».

یافته‌های پژوهش

معرفی محدوده مورد مطالعه

محله فاطمی (تصویر ۱) یکی از محله‌های ناحیه دو شهرداری منطقه ۶ تهران است که از شمال به خیابان شهید گمنام از میدان گلها تا تقاطع خیابان کارگر شمالی، از جنوب به خیابان فاطمی از تقاطع خیابان کاج جنوبی تا تقاطع خیابان کارگر شمالی، از شرق به خیابان شهید گمنام و خیابان کاج جنوبی و از غرب به خیابان

معناداری ۰/۹۹ به دست آمد که حاکی از مناسب بودن همبستگی متغیرهای وارد شده برای تحلیل عاملی است.

پس از انجام تحلیل عاملی، ۹ عامل دارای بردار ویژه بزرگ‌تر از یک به دست آمد. به طور کلی، این ۹ عامل در مجموع ۶۰،۵۳ درصد کل واریانس را تبیین می‌کنند که نشان از درصد بالای واریانس تبیین شده توسط این عامل‌ها دارد. بر اساس یافته‌های حاصل از جدول ۵، عامل اول با مقدار ویژه ۸/۴۱ تبیین کننده بیش از ۱۹/۱۲٪ واریانس کل است.

جدول شماره ۵: عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
اول (ایمنی و امنیت)	۸/۴۱	۱۹/۱۲	۱۹/۱۲
دوم (ارضای کنجکاو)	۴/۱۸	۹/۱۰	۲۷/۲۲
سوم (آزادی)	۳/۲۲	۷/۰۱	۳۴/۲۳
چهار (تحرک و پویایی)	۲/۹۵	۶/۴۳	۴۰/۶۶
پنج (محیط قابل درک)	۲/۶۲	۵/۷۰	۴۶/۳۶
شش (آموزش دهنده‌گی)	۱/۹۴	۴/۲۳	۵۰/۵۹
هفت (محیط بدون خشونت)	۱/۸۷	۴/۰۶	۵۴/۶۵
هشت (ارتباط با طبیعت)	۱/۵۵	۳/۳۶	۵۸/۲۱
نه (تعامل پذیری)	۱/۵۰	۳/۰۱	۶۰/۵۳

اما وضعیت قرارگیری متغیرها در عوامل با فرض واقع شدن متغیرهای با بار عاملی بزرگ‌تر از ۰/۵، بعد از چرخش عامل‌ها به روش وریماکس تعیین گردیدند. با توجه به متغیرهای تشکیل دهنده عامل‌ها، هر یک از عوامل، نام‌گذاری شده و ۹ معیار فضاهای شهری مناسب کودک تعیین گردید. این معیارها عبارت‌اند از: ایمنی و امنیت، ارضای کنجکاو، آزادی، تحرک و پویایی، محیط قابل درک، آموزش دهنده‌گی، محیط بدون خشونت، ارتباط با طبیعت، تعامل پذیری.

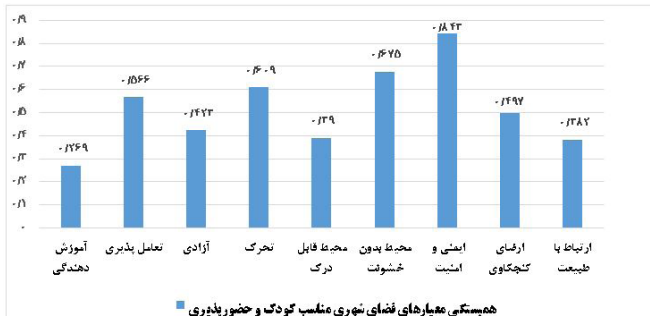
میزان حضور کودکان در محیط‌های شهری

با تحلیل داده‌های استخراج شده از پرسشنامه‌ها از طریق آزمون خی دو تک متغیره، مشخص شد فراوانی طبقات با یکدیگر متفاوت است؛ به گونه‌ای که برای فرضیه آماری «حمایت و تأمین حق ایمنی و امنیت کودکان بر افزایش حضورپذیری فضاهای شهری آنان تأثیرگذار است»، بیشتر پاسخ‌ها شامل متوسط، زیاد و خیلی زیاد بوده‌اند تا کم و خیلی کم ($p < 0.05$ و $0.271 = \chi^2$ خی دو تک متغیره). در ادامه به منظور دستیابی به اهداف پژوهش به تبیین اثرات هر یک از معیارهای شهر مناسب کودک بر میزان حضورپذیری فعال کودکان، می‌پردازیم.

تبیین ارتباط معیارهای فضای شهری مناسب کودکان و میزان حضورپذیری آنها

نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که تمامی معیارهای فضای شهری دوستدار کودک با میزان حضور فعال کودکان در این فضاها دارای ارتباطی مثبت و معنادار هستند (با سطح معناداری ۰/۹۹ و ۰/۹۵) و این بدان معناست که با افزایش میزان رضایت از هر یک از این معیارها، میزان حضور فعال کودکان نیز به طور معناداری افزایش می‌یابد.

نتایج به دست آمده از همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که معیار امنیت و ایمنی بیشترین رابطه هم جهت را با میزان حضور فعال کودکان در فضاهای شهری دارد ($r = 0.801$) که مبانی نظری پژوهش را تأیید می‌کند. این امر بدین معناست که با بهبود مؤلفه‌های ایمنی و امنیت در فضاهای شهری انتظار می‌رود به طور قابل توجهی میزان حضور فعال کودکان در فضاهای شهری افزایش پیدا کند. با توجه به میزان کم حضور فعال کودکان در محله فاطمی و ارتباط مستقیم و قوی این موضوع با میزان امنیت، می‌توان فهمید وضعیت این محله از لحاظ معیار ایمنی و امنیت در وضع مناسبی نیست. این امر در داده‌های گردآوری شده از پرسشنامه نیز مشهود است؛ به طوری که ۸۳ درصد از پاسخ‌دهندگان رضایت کم و یا بسیار کمی از میزان ایمنی و امنیت این محله داشتند.



نمودار شماره ۱: عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی و نام‌گذاری آنها

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، پس از مرور نظریه‌های مطرح شده در زمینه کودکان و لزوم ارتباط آنها با فضاهای شهری، به حقوق و جایگاه کودکان از دیدگاه اسلام اشاره و برخی از تلاش‌های بین‌المللی صورت گرفته برای احقاق حق این گروه از جامعه بیان شد که از این میان می‌توان به پیمان‌نامه حقوق کودک، صندوق کودکان ملل متحد و اساسنامه شهر دوستدار کودک اشاره کرد. همه این تلاش‌ها به منظور ایجاد فضای مناسب برای رشد و بالندگی کودکان صورت گرفته است و فضاهای شهری نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حضور کودکان مورد توجه برنامه‌ریزان شهری و روان‌شناسان محیطی قرار گرفته است؛ تلاش‌هایی در

جهت تبیین و توجه به ویژگی‌هایی که فضای شهری باید دارا باشد تا کودکان به عنوان استفاده‌کنندگان از آن بتوانند در کمال آرامش و نشاط به اهداف رشد و بالندگی ذهنی و جسمی خود برسند. در این پژوهش با بررسی نظریه‌های پژوهشگران مختلف، معیارهایی برای این فضا بیان شد و با توجه به اهمیت معیار ایمنی و امنیت در محیط شهری، تدقیق بیشتری روی این معیار صورت گرفت. معیارهای بیان شده در مبانی نظری پژوهش از طریق پرسشنامه و مصاحبه مورد آزمون قرار گرفتند و از طریق روش تحلیل عاملی، نه معیار ایمنی و امنیت، ارضای کنجکاوی، آزادی، تحرک و پویایی، محیط قابل درک، آموزش‌دهندگی، محیط بدون خشونت، ارتباط با طبیعت، و تعامل‌پذیری به عنوان معیارهای شهر مناسب کودک معرفی شد که می‌توان گفت این معیارها حقوقی هستند که کودکان ما برای استفاده از فضاهای شهری بر گردن مسئولان و برنامه‌ریزان دارند. در ادامه به منظور تبیین رابطه معیارهای نام برده شده و تعیین معنادارترین رابطه این معیارها با میزان حضور فعال کودکان، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده و همان‌گونه که انتظار می‌رفت، نشان داده شد که معیار ایمنی و امنیت بیشترین رابطه هم‌جهت و مثبت را بر میزان حضور فعال کودکان در فضاهای شهری دارد ($r=0.801$). طبق نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها و آزمون خی‌تک نمونه‌ای میزان حضور کودکان در محله فاطمی در منطقه ۶ در بازه کم قرار گرفت. همچنین طبق توزیع فراوانی داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها، ۸۳ درصد از ساکنان وضعیت ایمنی و امنیت محله را برای حضور کودکان‌شان در محله مناسب نمی‌دانستند و این امر تأییدی بود بر نتایج حاصل از همبستگی پیرسون که نشان می‌داد ارتباط قوی بین میزان امنیت و حضورپذیری کودکان وجود دارد.

با توجه به بافت منطقه شش و توزیع و اختلاط کاربری‌های اداری، تجاری و مسکونی نیاز بیشتری به برنامه‌ریزی در راستای افزایش مؤلفه‌های ایمنی و امنیت احساس می‌شود تا کودکان بتوانند طبق حقوق تعیین شده‌شان در مجامع بین‌المللی، با آسودگی خاطر و آزادانه از فضاهای شهری استفاده کنند و از این فضاها به منظور رشد جسمی و ذهنی خود بهره ببرند. همچنین نتایج حاصل از پرسشنامه و مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل عدم حضور کودکان در معیار ایمنی و امنیت از نظر ساکنان و والدین به ترتیب، وجود افراد ولگرد و معتاد، روشنایی نامناسب معابر، و حضور افراد ناشناس در محله است. به نظر می‌رسد نفوذ بافت اداری به درون محله، همجواری با بوستان لاله و عدم نظارت کافی پلیس در شب بر این بوستان و وضعیت نامناسب روشنایی و خط‌کشی‌های معابر در این عدم امنیت و ایمنی نقش پررنگی را ایفا می‌کنند.

با توجه به این نتایج و نظریه‌های مطرح شده در زمینه امنیت فضاهای شهری می‌توان با مناسب‌سازی و بهبود این فضاها با توجه

به رویکردهای ارائه شده، فضاهای عمومی شهرها را برای حضور و استفاده کودکان آماده کنیم و این حق گمشده کودکان در شهر را به آنها بازگردانیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. اما در میان متقدمان فقها و هم‌معاصران، نظر مخالف وجود دارد و برای نمونه برخی از معاصران به استناد روایات معتبری که دلالت دارند، سن بلوغ در پسر و دختر ۱۳ سال تمام قمری است، به این سن فتوا داده‌اند (یوسف، صناعی، گنجینه آرای فقهی و قضایی، پرسش ۲۶) و یا یکی از صاحب‌نظران معاصر بیان نموده است که مسئله بلوغ یک مسئله تعبدی و فقهی نیست، بلکه یک موضوع خارجی است). محمدحسن، مرعشی شوشتری، (۱۳۷۳)، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، ج ۱، تهران، نشر میزان، ج اول، ص ۲۳ و همچنین رک به محمدحسن، مرعشی شوشتری، تحقیقی درباره سن بلوغ، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ۴، ش، (تابستان ۷۱)، ۵۹-۶۰.
2. The Convention of Rights of the Children
3. United Nations Children's Fund
4. UNICEF
5. Children Friendly City (CFC)
6. Maslow
7. Gordon Allport
8. Moughtin
9. Lang
10. Mundell
11. Buzan
12. Clements
13. Safty
14. Security
15. Defensible Space
16. Oskar newman
17. Crime Prevention Through Environmental Design: CPTED

فهرست منابع و مراجع

۱. بافکار، حسین. (۱۳۸۷)، «نگاهی به حقوق کودک در اسلام و کنوانسیون‌های جهانی»، **مجله طبوبی**، تابستان، شماره ۲۷، ۱۰۵-۱۱۱.
۲. بمانیان، محمدرضا و هادی محمودی نژاد (۱۳۸۸)، **امنیت و طراحی شهری**، انتشارات هله، تهران.
۳. بوزان، بی (۱۳۷۸)، **مردم، دولت‌ها و هراس**، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۴. توسلی، محمود (۱۳۷۱)، **طراحی فضای شهری**، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۵. جیکوبز، جین (۱۳۸۸)، **مرکز و زندگی شهرهای بزرگ آمریکای**، ترجمه حمیدرضا پارسسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۶. حاتمی ابرقوئی، حسین؛ رحیمه عظیمی ابرقوئی و لیلیا حاتمی ابرقوئی (۱۳۹۱)، **سهم کودکان از شهرسازی پایدار با تأکید بر طراحی مراکز محله**، اولین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابرکوه.
۷. دانشپور، سید عبدالهادی؛ عبدالحمید نقره کار و علی اکبر سالاری پور (۱۳۹۶)، «مقایسه ارتباط کودک با محله در محله‌های سنتی و جدید؛ مطالعه موردی: محله‌های ساغریسازان و گل‌سار شهر رشت»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی و اسلامی**، بهار، شماره ۲۷، ص ۵-۱۵.

۲۹. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۹۲)، «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌برداری از حقوق مربوطه»، **پژوهشنامه متین**، شماره ۲۱، ص ۲۷-۶۰.

۳۰. نیکنامی، ندا؛ علی اصغر آقایی و سارا کاظمی (۱۳۹۲)، «خشونت خانگی؛ نقض کرامت ذاتی کودک و راهکارهای مقابله با آن در اندیشه حقوقی اسلام»، **تحقیقات حقوقی آزاد**، دوره ۶، شماره ۲۲، ص ۱۳۳-۱۶۷.

31. Baker, C . (2005), Safety Through Design, UMI 1431580 ProQuest Information & Learning Company.
32. Chawla, L., N.; Blanchet-Cohen, N.; Cosco, D.; Driskell, J.; Kruger, K.; Malone, R. Moore, and B. Percy-Smith (2005), Don't just listen - Do something! Lessons learned about governance from the Growing Up in Cities Project. *Children, Youth and Environments*, 15 (2):53-88.
33. Coupland, A. (1997), *Reclaiming the City: Mixed use development*, Taylor & Francis, London.
34. Fjortoft, I., and Sageie J. (2000), "The natural environment as a playground for children: Landscape description and analyses of a natural playscape", *Landscape and Urban Planning*, 48 (1):83-97.
35. Kelly, Eric ,Damian, Crabtree Dain (2009), *Securing The Built Environment: An Analysis Crime Prevention Through Environmental Design*, Ball State University, Muncie, Indiana.
36. Lennard, H.L. (1997), *The good city for children*. International Making Cities livable council, (L.S.H. Crowhurst et al Eds), California, U.S.A.
37. Louv, R. (2005) *Last Child in the Woods: Saving our Children from Nature-Deficit Disorder*, NY: Algonquin Books of Chapel Hill, New York.
38. Malone, K., and P.J. Tranter, (2003), "School grounds as sites for learning: Making the most of environmental opportunities", *Environmental Education Research*, 9 (3):283-303.
39. Meyer, R.L. (2005), *The effect of green space on urban children's sense of community*, Paper read at Minnesota Association for Environmental Education Twelfth Annual Conference Proceedings, at Minnesota.-Myers, D.G., and S.J. Spencer. 2001. *Social Psychology: Canadian Edition*.
40. Mumford, I., Paleo, (1976), *Technic paradise*, in: *The Urbanization of European Society in the Nineteenth Century*, (a. Lees, Eds.), ROGERS univ.com don and Pencilvania Univ., d.c Health and company, Massachusetts.
41. NSW Commission for Children and Young People (2009), *Built for Kids : A good practice guide to creating child-friendly built environments*. NSW Commission for Children and Young People, Surry Hills.
42. Y. Beigbeder, (2001). *New Challenges for UNICEF: Children, Women and Human Rights*, Springer.
43. Riggio, E. (2002), "Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child", *Journal of Environment & Urbanization*, 14 (2) : 45-58.
44. www.unic-ir.org/hr/convention-child.html
45. <http://www.unicef.org/iran/fa/overview.html>
46. <http://www.unicef.org/iran/fa/overview.html>

۸. دریسکل، دیوید (۱۳۸۷)، **ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و جوانان**، ترجمه مهرنوش توکلی و سعید رضوانی، نشر دیبایه، تهران.
۹. رفیعیان، محسن؛ محمد مویلی؛ حسن سلمانی و لیلا توانگر (۱۳۹۱)، «ارزیابی احساس امنیت شهروندان با رویکرد منظر شهری؛ نمونه موردی: محله آوین»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی و اسلامی**، دوره دوم، تابستان، شماره ۸، ص ۵۱-۶۴.
۱۰. سالار، محمد (۱۳۸۲)، «مؤلفه‌های امنیت در اندیشه‌های امام خمینی (ره)»، **اندیشه انقلاب اسلامی**، شماره ۶، ص ۱۱۱-۱۳۵.
۱۱. سینگر، داروتی جی. و تی. رونسن (۱۳۶۵)، **کودک چگونه فکر می‌کند**، ترجمه مصطفی کریمی، نشر آموزش، تهران.
۱۲. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۵)، **آماده سازی شهر برای کودکان**، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، موسسه نشر شهر، تهران.
۱۳. صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷)، **ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن**، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
۱۴. طبرسی، حسن (۱۳۷۰)، **مکارم الاخلاق**، قم، شریف رضی، چاپ چهارم، قم.
۱۵. غریب‌زندی، داود (۱۳۸۹)، «مفهوم امنیت ایمانی در قرآن کریم»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال سیزدهم، شماره سوم، زمستان، شماره مسلسل ۵۰، ص ۶-۷.
۱۶. فتال نیشابوری، محمد بن حسن (۱۳۷۵)، **روضه الواعظین و بصیره المتعلمین، الشریف الرضی**، قم.
۱۷. **قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران**، ماده ۱۲۰۱، مصوب ۱۳۶۰.
۱۸. قورچی بیگی، مجید (۱۳۸۶)، «راهبردهای کاربردی CPTED برای پیشگیری از جرم مناطق مسکونی»، **مجله فقه و حقوق**، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۱۴۷-۱۷۲.
۱۹. کامران، حسن؛ طاهر پری‌زادی؛ امیرحسین صحرایی و حسن سینی امینی (۱۳۹۰)، «امنیت و ایمنی در فضاهای شهری با رویکرد پدافند غیر عامل؛ نمونه موردی: منطقه ۵ کلاشهر تهران»، **فصلنامه مطالعات مدیریت شهری**، پاییز، دوره ۳، شماره ۱ (پیاپی ۵)، ص ۳۳-۵۷.
۲۰. کلاتری حسین آباد، خلیل؛ روناک اردلانی؛ سروه سراجی و عطیه پوراحمد (۱۳۹۲)، «برنامه‌ریزی فضاهای امن شهری مبتنی بر تفکیک جنسیتی با رویکرد CPTED: نمونه موردی: محله فرهنگیان، شهر بناب»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، دوره سوم، تابستان، شماره ۱۲، ص ۱۵-۲۶.
۲۱. کلمنتس، کا (۱۳۸۴)، «ابه سوی جامعه‌شناسی امنیت»، ترجمه محمد علی قاسمی، **فصلنامه پژوهشکده مطالعات راهبردی**، سال هشتم، شماره دوم، ص ۲۸۱-۳۰۲.
۲۲. گلکار، کوروش (۱۳۸۴)، **کند و کاوی در تعریف طراحی شهری**، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۲۳. **الگوی توسعه و طرح تفصیلی منطقه ۶ تهران** (۱۳۸۶)، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۲۴. لباف، فریبا (۱۳۸۵)، «سیره عملی حضرت علی (ع) در استقرار نظم و امنیت»، **فصلنامه دانش انتظامی**، دوره ۸، شماره ۳، ص ۷۷-۹۹.
۲۵. ماندل، ر. (۱۳۷۹)، **چهاره متغیر امنیت ملی**، مترجم پژوهشکده مطالعات راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۲۶. مرعشی شوشتری، محمدحسین (۱۳۷۳)، **دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام**، ج ۱، نشر میزان، تهران.
۲۷. مدنی پور، علی و فرهاد مرتضایی (۱۳۸۴)، **طراحی فضای شهری-نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی**، شهرداری تهران، تهران.
۲۸. مظفر، فرهنگ؛ سیدباقر حسینی؛ محمد باقری و حمیدرضا عظمی (۱۳۸۶)، «نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان»، **فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر**، دوره ۴، شماره ۸، ص ۵۹-۷۲.

